

خبرنامه جنگ

- آبار رژیم از جان و مال مردم جنگ زده دفاع میکند
- نامه یکی از رفقای هوادار درباره اوضاع شهر آبادان
- جرا رژیم از اعلام خرید اسلحه وحشت دارد؟

صفحه ۴
صفحه ۵
صفحه ۱۰

علت ترک مناطق جنگ زده خوزستان توسط مردم چیست؟



آنجا از اخبار رسیده روشن می‌گردد این است که دهها و حتی صدها هزار نفر از مردم خوزستان از مناطق جنگ زده متفرق گریزند. آنان ضمن نثار کردن فحش و ناسزا به رژیم جمهوری اسلامی و رژیم عراق که این جنگ ارتجاعی را برپا داده انداخته اند خانه و گاه خانه خود را ترک کرده و به مناطق دور از جنگ مانند شیراز، اصفهان، لرستان و... میروند. برآستی چرا مردم اینچنین متفرقانه کوچ میکنند. این وقایع نشان دهنده چیست؟ آیا مردم قهرمان خوزستان "ترسو" و "بزدل" هستند و از جنگ وحشت دارند؟ چرا مردم می‌که در برابر گلوله های دشمنان آریا مهربی مینمایند و جانبا زده اند و با دست خالی بمقابله با توپ و تانک شتافتند، اکنون از کنار این جنگ با لمن و نفرین میگریزند؟ جواب روشن است زیرا:

بقیه در صفحه ۲

رویز یونیستهای حزب توده و فداییان (اثریت) در این جنگ چه میکنند؟

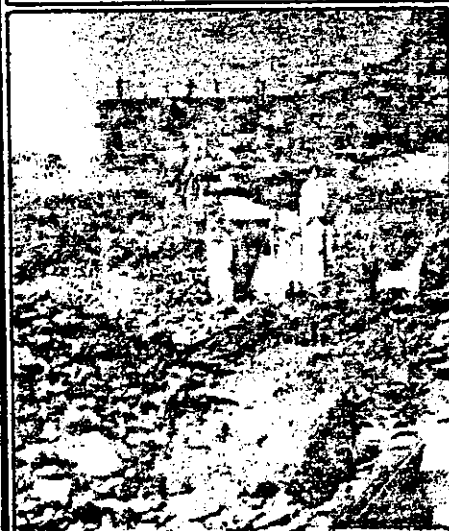
صفحه ۸

درگیری بین هواداران مجاهدین و سپاه پاسداران

دوشنبه ۱۶ مهر
ساعت ۱۰ صبح از طرف سپاه پاسداران مرکزی به جادرا مداد مجاهدین اطلاع میدهند که تا یک ساعت دیگر با سپاه جادرا جمع کنند. هواداران مجاهدین بعد از این اخطار برای چندمین بار به مسجد راه آهن مراجعه کرده و از آنها می-خواهند که کارها بشان را با هم هماهنگ نمایند ولی آنها جواب رد میدهند. بعد از یک ساعت سپاه بایک وانت به محل می آید و کلبه وسایل موجود درجا در سوزاند.
بقیه در صفحه ۸

اخبار جنگ در اهواز (از ۱۷ تا ۱۹ مهر ماه)

صفحه ۳



فرمانده نیروهای چریکی ارتش جمهوری اسلامی کیست؟

صفحه ۱۰

گوشه‌هایی از اوضاع آبادان و خرمشهر جنگ زده

صفحه ۷

مرکب بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

امپریا لیس میخواستند، چه آنهایی که حکومت را ملی و مترقی میدانند و چه آنهایی که میگویند خلق ایران بدلیل تاج و عراق در مقابل آن می ایستند. خبر! واقعیت نشان میدهد که جنگ ایران و عراق، جنگ بین خلق و امپریا-لیسم نیست. جنگ بین حکومت خلقی ایران و حکومت ضد خلقی عراق نیست. جنگ بین دورژیم ارتجاعی است و به همین دلیل شرکت مردم در این جنگ، به معنای دفاع از حکومت ضد خلقی دامن زدن به جنگی که به زیان خودشان است و آب ریختن به آسیاب امپریا لیستها و طبقه سرمایه دار حاکم ایران است. زحمتکشان مانده تنها

احتکار و گران کردن اجناس و... سود بیشتر به جیب بزنند، همه و همه گواه این واقعیت است که ارمغان چنین جنگی جز ویرانی و فلاکت و گوشت دم توپ گشتن نوده ها چیز دیگری نیست.

مردم خوزستان از خود می پرسند، آیا شرکت در چنین جنگی و ادامه دادن آن به بدتر شدن وضع زندگی مردم، تشدید فلاکت و بدبختی و گشتار رزمی آنها مد؟ به همین دلیل مردم بجای شرکت در جنگ و دفاع از حکومت، از مناطق جنگ زده میگریزند. زحمتکشان خوزستان و سراسر ایران اگر این جنگ را برای نابود کردن ظلم و استثمار و رهایی از استثمار امپریا لیسم و ارتجاع

بقیه از صفحه ۱ علت ...
یکم: مردم زحمتکش خوزستان همچون زحمتکشان سراسر کشور، به ما هیت ارتجاعی و ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی در این یکسال و نیمه، پی برده اند. آنها فهمیده اند که این رژیم نه تنها کمترین قدمی در راه منافع زحمتکشان برنداشته بلکه با تمام قدرت به سرکوب آنها پرداخته است و حتی هم اکنون که جنگ با شدت جریان دارد، رژیم لحظه ای از سرکوب خلق کرد و انقلابیون و زحمتکشان باز نمی ایستد. مردم خوزستان با چشم خود می بینند که حتی در مناطق جنگ زده، رژیم بیشتر به سرکوب انقلابیون میپردازد، به همین دلیل است که مردم خوزستان میلی به دفاع از حکومت جمهوری اسلامی در برابر تاج و عراق نشان نمیدهند. وانگهی آنان می بینند این صراف عراق نیست که به ایران تاج و زمی کند، بمباران میکند و غرابی بیار می آورد، بلکه رژیم جمهوری اسلامی نیز دست به همین حملات میزند. مردم میگویند چرا باید از تاج و رژیم جمهوری اسلامی که بی ضرر زحمتکشان عراق است جانبداری کنند.

دوم: مردم خوزستان به رای العین می بینند که این جنگ، جنگی است بین دو رژیم ضد خلقی که با طر منافع خودشان به این جنگ دست زده اند، نه با طر منافع زحمتکشان. میدانند که تنها امپریا لیستها و حکومت های دو کشور هستند که از این جنگ سود میبرند. این جنگ به امپریا لیستها سود کلان میرساند، چرا که باعث میشود به میزان زیادی سلاحهاشان را بفروشند و دو کشور را به وابستگی بیشتر به دست خود بکشانند. خرید سلاحهای آمریکایی از ترکیه و کره جنوبی توسط رژیم ایران و خرید سلاحهای روسی توسط رژیم عراق نشان دهنده این واقعیت است.

سوم: آنها میدانند که در جنگی که علیه خلقهای دو کشور است، تنها به زیان خودشان تمام میشود، چرا که خلق قربانی میشود. چرا که فلاکت و بدبختی نمیشناسد.

اینهمه گذشته و زخمی، خسارات، خانه غرابی، بیکار شدن کارگران، صفهای طولیل نفت و بنزین، قحطی و گران که بدترین فرصت برای سرمایه داران است که با



به دفاع از حکومت بر نمی خیزند، بلکه با گسترش حرکت های اعتراضی خود و با ایجاد تشکیلات توده ای در میان خود، مبارزه علیه حکومت را شدت میدهند. وظیفه ما شرکت در این مبارزه، گسترش برآمد جنبش انقلابی توده ها و ارتقا و هدایت آنان بمنظور سرنگونی رژیم سرمایه داری وابسته ایران است.

■ ■ ■

داخلی برآه انداخته بودند، با جان و دل در آن شرکت میکردند و با تحمل تمام خسارات ناشی از جنگ ذره ای تردید به خود راه نمی دادند. خلق قهرمان ایران، این را در جنگ علیه رژیم مزدور آریا مهری نشان داده است. آری! شجاعت، دلاوری و همبستگی مبارزاتی خلقهای قهرمان ایران را علیه رژیم شاه خاش، همگی بیاد داریم. تمام مسئله در اینجا است که زحمتکشان خوزستان بدلیل ماهیت ضد خلقی و غیر عادلانه این جنگ، حاضر به شرکت در آن نیستند. خارج شدن زحمتکشان خوزستان از مناطق جنگ زده که برای حفظ جان خودشان صورت گرفته است، پشت محکمی است بر دهن پندار با فانی که می می کنند با شمارهای عوام فریبانه زحمتکشان را به شرکت در این جنگ بکشانند. چه آنهایی که مبارزه با عراق را مبارزه با

بقیه از صفحه ۹ گوشه ای ...
در جنگهای انقلابی علیه ارتجاع نیز نیروهای مسلح مردمی و توده های مسلح فعالند و مبارزه میکنند مانند جنگ مردم ویتنام علیه امپریا لیسم آمریکا، اما در جنگهای ارتجاعی جنگ افروزان از آن مسترسند که مردم آگاه شوند و سلاح را بسوی رژیم سرمایه داران خودی بگردانند.

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق!

مردم زحمتکش درسوگ فرزندانشان نفرت خود را از رژیم بنمایش می گذارند

اهواز ۲۰ مهر ۵۹ - محوطه بیمارستان جندی شاپور

کشی کند، فریاد میزد "رها (برادرش) کشته شد، من باید خودم را بکشم." از خشم و نفرت و تاثر حالت عصبی پیدا کرده بود. چندبار سیهوش شد، بلندگو اعلام میکند که مردم از پشت میله ها متفرق شوند یک نفر با خشم فریاد میزند: "بروید کم شوید، پدرم را در آورید، بی خانمانان کردید سرمایه داران در تهران نشسته اند و سب می گویند شهید شدند، ما نمی خواهیم شهید شویم، ما نمی خواهیم قربانی شویم، ما جنگ نمی خواهیم." با آوردن و با شل شخصی استوار متوفی، برادرش با مادران بیمارستان حمله کرد و از خمینی تا پائین را فحش میداد، با اعتراض یکسری از پاداران با حمله کرد و میخواست خفه اش کنند که مردم مانع شدند.

مردم بی دفاع و زحمتکش که در جنگ تعمیلی رژیمهای ارتجاعی به ستوه آمده اند، سوگ عزیزانشان را به نمایش نفرت از رژیم تبدیل می کنند، آنان بوجی شمارهای عوام فریب سردمداران جمهوری اسلامی را با انزجار و خود از جنگ غیر عادلانه و برانگرا فشا می کنند.

● خوابگاه دانشجویی دانشگاه اهواز (راستین) را خالی کرده و سربازان در آنجا مستقر شده اند. ارتجاع برای پیشبرد اهداف ارتجاعی خود در این جنگ همه امکانات را بخدمت خود می گیرد.

● رزمین در جهل کیلومتری اهواز را میگهای روسی ارتش ارتجاعی عراق بمباران کرده بودند. اهالی عربدها اطراف آن بر علیه جنگ محبت میکردند. نیروگاه اتمی نیز در آنجا قرار دارد و همه کارکنان آن روسی هستند که با اطلاع از وضعیت جنگ برای درمان بودن از سمت های هواپیماهای روسی ارتش عراق آنجا را ترک کرده بودند. این نیروگاه دارای چهار ریفش است که فقط از یک قسمت آن بهره برداری شده است بیشتر بمبارانها بر رویا شل بدکی ورود خانه پشت ده پرتاب شده بودند. بگفته اهالی این حمله ضرر جانی نداشت.

خانواده یک استوار که در جنگ کشته شده است گریان و پریشان در حیطه بیمارستان برای تحویل جسد از دست رفته شان نشسته اند برادرش فریاد میزد "سلام ای پنه؟! ما مللمان نیستیم، فقط قمی ها مملاتند بر پدر و ما در این حکومت لعنت این چه بلائی بود سر مردم آوردند؟" یک نفر دیگر میگفت "خودشان در مجلس نشسته اند و جوان های ما را به کشتن میدهند و بعد میگویند شهید شد" پیروزی با کینه و فغان به همه سردمداران جمهوری اسلامی ناسزا میگفت و هیچکس نمیتوانست جلوش را بگیرد برادر استوار کشته شده با نفرت فریاد می کشید که: شهر را بمباران کردند، مردم بیگناه را بکشتن دادند، آقای بنی صدر که طوریش نمیشه، برای اوجه فرقی میکند که کی کشته میشود، آنها فقط میگویند بجنگید، سی - گویند بروید بر زمین، کوز بر زمین؟ تو اگر دلت بغال مردم سوخته، آنها را بجای امن ببر، نه ما شینی است نه قطار است نه اتوبوسها کار میکنند، پس باید بمانند و کشته شوند تا شما بگویند شهید؟! مگر با دست خالی میشود کاری کرد، سپس خودش را بر زمین زد و قصد داشت با چاقو خود را

را نخورده اند از این جنگ لعنتی و ضد مردمی بیزارند.

● بر اثر برخورد گلوله توپ در خیابان ناصرخسرو مقابل باشگاه ناصرخسرو، چند نفر زخمی شدند که حال سه نفرشان بسیار وخیم است.

● منطقه کمپلور در زیر باران تسوپ و خمپاره مزدوران بعث عراق قرار داشت. یکی از خمپاره ها در خیابان ولی عصر بزمین خورد، آمبولانسهای خمپهانی را میبردند که در حالت مرگ قرار داشتند، جدمردی از وسط تصف شده بود و منزش متلاشی شده بود. پسر ۱۲ - ۱۶ ساله ای با گریه و شیون میگفت "جنگ تحرک میده؟! جنگ تفریح مباره" (اشاره به پیام آیت الله خمینی) از چهره او و دیگران انزجار از جنگ غیر عادلانه تعمیلی دیده میشد، روز بعد اهالی این محل مانند سایر محله های اهواز خانه های خود را رها کرده و گریخته بودند.

اخبار جنگ در اهواز

(از ۲۵۳۳ امهرماه)

● یکی از نظامیان از جبهه برگشته میگفت: "فرماندهان همگی با فراگردند با کاری نمیکند مثلاً در جبهه، من گسروه خود را فرماندهی میکردم."

این واقعیت یکبار دیگر نشان میدهد که سربازان گوشت دم توپ فرماندهان نظامی سرمایه داران میباشند. در حین خطر سربازان را به صف مقدم میفرستند اما فرماندهان فرار میکنند، برآستی چرا فرماندهان، سرتیپ ها، سرمایه داران ... در جنگ کشته نمیشوند؟

● یکی از پرستاران بیمارستان رازی میگفت که "وضع بیمارستان بسیار بد است، جانیت برانگارد نیست، جراح کم است و ... و تعداد کشته ها را فقط در روز اول ۳۶۰ نفر ذکر کرد."

● پرسنل ارتش که از جبهه بر میگردد روحیه بسیار غراب داشته و بسیار ناراحت هستند، آنها میگفتند که وضع غذا ایشان بسیار بد بوده ولی ناراحتی املیشان نبودن مهمات بود، آنها با ناراحتی میگفتند "نیروی هوایی با ما همکاری نمیکند"، در واقع تفادهای درون ارتش زمینه مساعدی است جهت افشای ماهیت جنگ ضد مردمی و آگاه نمودن سربازانی که تحت تاثیر تبلیغات شوینستی قرار گرفته اند.

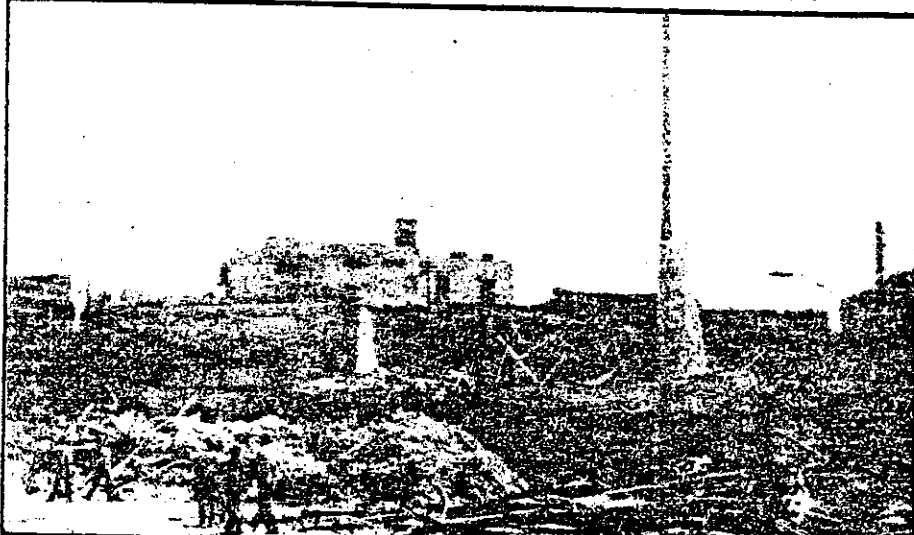
● در منطقه تلنگ آبا در اشرام است دو خمپاره ارتش ارتجاعی عراق، ۵ نفر از مکنین عرب این محله کشته شدند. تلنگ آبا در محله زحمتکشان عرب است که با هزار بدبختی توانسته اند خانه های بسیار محقر برای خود بسازند، آنها حاضر نبودند محله را ترک کنند، میگفتند کجا برویم؟! این منطقه از طرف رژیم منطقه جنگی اعلام شده است ولی اهالی از ترس اینکه آنها را بعد از آنجا راه ندهند حاضر به ترک منازلشان نبودند.

می بینیم که چگونه فشار جنگ بر توده های زحمتکش از محله خلق عرب وارد می آید، آنان که گول تبلیغات شوینستی

آیا رژیم از جان و مال مردم جنگ زده دفاع میکند؟

— کویدچکا رکشم؟ یک کارگر آتش نشانی گفت کی دیدی حرف حساب بزنند که الان که جنگ شده چیزی بگوید؟! بدبختان کردند زن و بچه مان را آوار کرده اند زبانشان با زخم دراز است، میگویند ما میجنگیم، چه جوری؟! آری فرزندان زحمتکشان در این جنگ از نجاتی کشته میشوند! ما فرماندهان مزدور مدال پیروزی میگیرند و بیانی صدر عوام فریب خود را "قهرمان" جنگ نشان میدهد. اینان نسبت به سرنوشت توده های زحمتکش بی تفاوتند! ما از کشته های آنان برای خود سکوی افتخار می سازند.

مواد خبری نبود هنگام این حملات هوایی رادیو هوا از وضعیت بغداد اعلام کرده بود!! مردمی که بدنبال پناهی می — دویدند با انزجار از جنگ محبت میکردند. میگفتند که خودشان (منظور سردمداران رژیم بود) در جای امنی نشسته اند فکر میکنند نقل و نبات سر مردم میبارد مردی میگفت "از روز اول که ما اینها را سرکار آوردیم کی دیده اینها نمک به آتش مردم میریزند فقط به سمت مالی بخورد مردم دادند." بپیرمردی میگفت این رادیو جرائمی



بیان خلعت خدمت می اینان و همپالکی — هایشان گویاست این مرتجعین، مردم بیدفاع را که عاقریه شرکت در جنگ غیر — عادلانه نیستند و بناچار مجبور به ترک شهر شده اند، مثنی عیاش و خوشگذران مینامند، در حالیکه خود جرات نزدیک شدن به خط مقدم جبهه را ندارند، از آنها میخواستند که تن سبها دت بدهند!

■ اهواز ۵۹/۷/۲۰

در حالیکه مردم بر اثر بمباران شهرها ناچار به ترک شهر و یا رفرود میشوند، رادیو اهواز و رادیوهای خوزستان مرتب اعلامیه مامدر کرده و بمردم اخطار میکنند که هر کس شهر را ترک کند، با قوانین زمان جنگ با وی رفتار خواهد شد. ادارات اعلامیه میدهند و میگویند هر روز حضور و غیاب کارکنان به استنادی تسلیم میشود و با غائبین همانند زمان جنگ رفتار میشود!

■ اهواز بدنبال بروز جنگ بین دودولست ایران و عراق، عده ای از نمایندگان با مطلع مردم بطرف خوزستان سرازیر شدند آنها در بخشها و محاصره های تلویزیونی خود در اهواز با انواع توجیهات عوام فریبانه برای تطهیر ارتش آریا مهری و جادادن آن در دل مردم متوسل شدند و در همین جا موضع خدمت می خود را بخوبی مشخص کردند. غامتهای، این با مطلع نماینده مردم و سردمدار حزب معلوم الحال جمهوری اسلامی و نماینده اما مد روز ارت دفاع و ایضا اما م جمعه تهران و همچنین معادیه خواه این عنصر جلا دوقا تل، در محاصره تلویزیونی خود در اهواز میگویند: "مردم مصلحان و متعهد ما در شهر با دست خالی واللله اکبر در مقابل ارتش عراق ایستادگی میکنند فقط عده ای عیاش و خوشگذران شهرها را تخلیه میکنند... همین جمله برای

اهواز پنجشنبه ۵۹/۷/۱۷

★ — میگها و توبه های ارتش ارتجاعی عراق چند نقطه حساس شهر را به آتش کشیدند:

۱ — واگنهای حامل گاز و شیل و دیگر مواد سوختی در اثر انفجار در راه آهن در حدود ۶ ساعت میسوختند در اثر انفجار این واگنها بیش از سی نفر از مردم بیدفاع بمورت فجیمی کشته شدند بطوریکه تکه های گوشت آنان از بالای نعل ها جمع آوری میشد. مرد زحمتکشی تعریف میکرد که تخمما جسد ۱۲ نفر را جمع کرده است. در مقابل راه آهن دوتا کسی نابود شدند

۲ — انبار قیر جنب سبلو و پشت ورزشگاه تختی: در انفجار رگلوله توپ در این محل اتومبیل آتش گرفته و یک راننده کشته شد زحمتکش تا کسی کشته شد، قیر و مواد نفتی انبار شده تا دور و ور همجان میسوخت و دود ناشی از آن باعث مسمومیت اهالی شد بطوریکه آنها را مجبور به ترک منطقه نمود

۳ — انفجار قسمتی از انبار مهمات لشکر: این انفجار از ساعت ۴ بعد از ظهر شروع شد و پس از یک ساعت شدت وحشتناکی یافت در اثر این انفجار ریشه های اکثر مناطقی اهواز خرد شد و اهالی مناطق تلنگ آباد، خا بار کمبلو و لشکر آباد... مجبور به ترک خانه های خود شدند. صبح روز بعد قطعات سفیر شده به و مورد رخبا با آنها یافت میشدند. در اثر این انفجار گروه بسیاری از ارتشیان و با مداران محل کار و نگهبانی خود را ترک کردند و در حین فرار درگیر بمبهای شدیدی بنین فرماندهان و درجه داران در گرفت.

بخاطر برخورد رگلوله توپ با ساختمان بیمارستانها، بیمارستانهای رازی، آپادانا، پارس هلال احمر و شماره ۲ جنسی — تا به طور تخلیه شده اند.

مردم در حالیکه فرار میکردند میگفتند مگر انبارا سلحه و مهمات را در داخل شهر درست میکنند؟ با مداران بدون توجه به شیون زنان و کودکان با اتومبیل های استیشن فرار میکردند. یک ارتشی میگفت به محض شروع انفجار تلفنی به تهران و رادیو اهواز اطلاع دادم و گفتم که از مردم بخوا هند که شهر را ترک کنند و سپس از انفجارات برگردند و رادیو اینکارا نکرد و حالا مردم وحشت زده فرار میکنند. رادیو همزمان با انفجارها فقط گزارش بخش میکرد. یک ارتشی دیگر میگفت برای جلوگیری از انفجار، میتوان — شیمیایی خاصی با هلیکوپتر ریخت تا مانع از رسیدن اکسیژن هوا گرد و دلی از این

نامه یکی از رفقای هوادار درباره اوضاع شهرآبادان به رفیق دیگرش

"س" عزیز سلام:

امیدوارم حالت خوب باشد. حال ما هم خوب است.
الان که ما می نویسیم با "سو"، "س-ن" و "ج" خونه دانی ام نشسته ایم. نا مورا با عجله می نویسیم. می بخشی. آبادان کا ملا حالت نظامی به خود گرفته است. اکثریت اهالی رفته اند و بیشتر خانه ها فقط پدر و پسر خانسواده مانده اند. بطور کلی وضع جنگ شغوغ ارتش ایران است ولی آبادان تلفات زیادی داده است. هر شب و روز در چند محله راکت و خمپاره می اندازند و کشتار روزی و خرابی بسیاری آورده اند. کتون بیشتر کاروان واحد آبادان مورد حمله واقع شده است ولی همه کسانی که در آبادان هستند منتظر حمله هستند و مرگ بسیار عادی شده است. روحیه خیلی از مردمانی که اینجا هستند کاملاً انقلابی است ولی کلاً جنگ فعلاً افت محسوس در آبادان ایجاد کرده است.

از جریانات سیاسی برایت بگویم. همانطور که خودت هم در جریان هستی مسئله جنگ آنهمه شکل فعلیش برای تمام جریانات غیر منتظره بود و خود ما هم تا چند روزی گپج بودیم تا بسواش. یواش جریانات در دستمان آمد. فعلاً هواداران (همه) جریانات کارهای محلی میکنند و خط راست فدائیان (اکثریت) بیشتر گرفته است ولی چندتا محله درست ما و نیروهای چپ دیگر است. مسئله جنگ و برخورد جریانات به این مسئله سنگ محک خوبی برای تمام این جریانات است و تا کنون هم اکثر آنها زنده اند و تنها خود را در مقابل عراق می بینند و ترس دفاع از میهن را مطرح کرده اند.

"س" جان در شهر غلظت کمونیستی بالاست. شبها راجه در کنار هم در سنگرها و خندقها می گذرانیم و هر لحظه احتمال خطر را در نزدیکی خود احساس میکنیم. راستش فکر نمی کردم به این سادگی با مرگ برخورد کنیم ولی شرایط این موقعیت را پیش آورده. به کم از خودمان بگویم. از اول جنگ "س-ن" و "سو" و "ج" و "الف" در کنار هم و همه با هم بودیم. خیلی بهم نزدیک

شدیم مثل یک روح در چند قلب خصوصاً من و "سو". زخمی شدن یکی از بچه ها، کار کردن در شیر و غور و سروکار با زخمیها و کشته ها و زیر و زبانی رویساران بودن روحیه ما را محکم و نفرت طبقاتیمان را شدت بخشیده است. بیشتر ما درها رفته اند. ناگفته نماند که ما رفتن شده مردم از یک حرکت انقلابی که ما هبت آن عدم اطمینان نسبت به هبت ها که و بیگانگی به ما هبت جنگ اخیر را در آرزایی می کنیم.

ما تصمیم داریم که تا آنجا شیکه ممکن است در شهر با نیم المته نه تا آخرین نفر و نفس بلکه تا آنجا شیکه منافع و نیاز خلق و جنبش کمونیستی ایجاب میکند. "ج" در سنگرها بچه ها همکاری میکنند ما هم تصمیم به بسیج و تشکیل دختران هوادار و سپس تمام زنان و دختران شهر را داریم. در لحظه کنونی زندگی را بسیار لذت بخش و زیبا می بینیم و به نمایندگی از طرف "س-ن" و "سو" هم اگر توانستیم زحمات فدایی، هم داخلی و هم خارجی در آسمان باشیم که خیلی تجربه ها و حرفها داریم اگر هم نمائیم، زنده باد پیکار نوده ها. مطمئناً تنها توبیله توبه همراهی و پیشاپیش خلق ایران، راه و هدف ما که جز رهائی خلق و آزادی طبقه کارگر نیست را ادامه میدی. نمیدانم تا فردا چه میشود ولی بهر حال ما به استقبال آن میرویم. هر روز ترسان کمترین ایمانمان را سخر میگرد. رفقای تشکیلاتی ما مسئولانه در صدد برخورد اصولی کردن می باشند تا بحال که بهتر از تمام جریانات پیش رفته اند. امیدوارم زنده بمانیم تا چیزها شیکه به قیمت خون بسیاری از زمختگان آبادان و همچنین معلمان

رفقا!

در تکتیر و توزیع خبرنامه جنگ بکوشید!

موتی، نیمه موتی و... بودن اخبار را

ذکر کنید! داخلی یا قابل درج بودن خبر

را روشن کنید!

در ارسال هر چه سر مخریهای جنگ

بکوشید!

زمختکش ما در آموزش و پرورش بدست آوردیم در عمل بکار گیریم.

س جان شدیداً دست ترا و تمام همکاران عزیزت را میفشاریم و میرویم تا در کشور مبارزه آبدیده تر گردیم. شما بچه ها را سلام گرم برسان. با ایمان به پیروزی کارگران و زمختگان به همراهی کمونیستها قریبانت - س - ی

س عزیز و خوب سلام

الان حدود ۱۰ روز است که در وضعیت شدید جنگی قرار داریم. جنگی کاملاً غیر عادیانه و ضد خلقی ما مدت ۲ روز کاملاً (روز و شب) در شیر و غور و شیدیه اعدا دیگری مشغول بودیم. نمیدانی چه صحنه های دلخراشی دیدیم. کودکان خمپاره خورد. با مستی قطع شده. حیواناتان عزیز بیگناهی که زیر حملات هوایی ضد خلقی شهید شدند و با قرار گرفتن در این وضعیت بیشتر مصمم می شویم که به پیش روییم. جان ما و امثال ما هم فدای رهائی خلق دلاور و ستمدیده مان.

به امید پیروزی س.

س خوب سلام

نا مورا با عجله می نویسیم امیدوارم که حالت خوب باشد. ده روزه که جنگ در آبادان شروع شده و هنوز ادمه داره اکثریت مرده آبادان شهر را تخلیه کرده اند و فقط آنها ئی که قادر به رفتن نبودند مثل کارگران شرکت نفت و بعضی اراداریها مانده اند و اکثریت کمونیستها در اکثر نقاط آبادان نوری دفاع محلی تشکیل داده اند که گروه های سیاسی مختلف در آن شرکت دارند. جو آبادان خیلی خسته. تنه امبا سب و (س-ج) و (ا-ج) رفتند. اصفهان چون ماشین برای انجا کیرشان اومد. من و (ج-م) و (ج-ی) در سنگرها هستیم. مرگ در یک قدمی ما قرار دارد. امیدوارم که ما ندن کمونیستها در آبادان بتوانند سهمی هر چند کوچک در جنبش کمونیستی ایران داشته باشند.

با امید پیروزی راهمان

(س-ن)

مرگ همین الان میتواند سب راغ من به پایدولی من تا میتوانم سب راغ من بروم و اگر هم روزی مرگ سب راغ من است که خواهد آمد منم نیست. مهم اینست که زندگی یا مرگ من در دیگران چه تاثیر خواهد گذاشت. شاید ما دیگر هم دیگر را نمی بینیم ولی با میدیدار.

۱۳۵۹/۷/۱۰

آبادان ۵۹/۷/۱۹

■ - ظهر اینروز، رادیو آبادان اعلام کرد که "بعضی از فدائیان و دشمنان مسلمین در منطقه "دارخوشین" و "شادگان" نفوذ کرده اند و از مردم خواست که آنها را به "مقامات مسئول" تحویل دهند. احتمالاً نیروهای مزدور عراق تا این نقاط پیشروی کرده اند.

■ - "رادیو آبادان" اعلام داشت که "دادگاه انقلاب" در مورد افراد زیرین رای صادر کرده است:

۱ - عزیز عبادی به جرم "سافرکشی و دلالی غیر مجاز به محوم در شرایط جنگ" محکوم به یکسال

۲ - عباس کدی به جرم حمل اسلحه غیر مجاز، شرارت و فعالیت بنفع ضدانقلاب محکوم به یکسال.

۳ - حسام الله رشیدی مخالفت مرشح با دادگاه و مخالفت با قانون عسکرم فعالیت گروههای سیاسی و همکاری با جریکهای فدائی خلق محکوم به ۱۰ سال.

۴ - رحیم سیدی نژاد به جرم حمل اسلحه غیر مجاز و رفتارهای مشکوک به ۵ سال زندان.

۵ - سوره به کام، سعید محمد فقیه پور - بهنام ایناری - علی غیاث زاده، سه روز حیدر نژاد و مسعود خرم نژاد به جرم ترسک محکوم به ۵ سال زندان.

۶ - حوادادنی به جرم حمل اعلامیه تحریک کننده محکوم به ۱۰ سال زندان.

دادستان آبادان و خرمشهر - ترمیز

آبادان ۵۹/۷/۱۹

■ - ادا مه جنگ هر روز بیش از پیش فاصله رژیم جمهوری اسلامی و مردم را بیشتر میکند با گفتگوهای که با کارگران و رجمتگان داشتیم از جرایم خود را از جنگ بیان می کردند و رژیم را عامل بروز آن میدانستند در میان رجمتگان گروهی هستند که بخاطر ناآگاهی در اثر اوضاع ناسامان کنونی کراباشتی به وضع گذشته پیدا کرده اند که این امر وظیفه نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها را در دادن آگاهی و افشاکژی بیشتر و بیشتر میکند تا رجمتگان با سیریدن از رژیم جمهوری اسلامی سمت انقلاب کشیده شوند.

■ - درسی کنبو متری آبادان و در جاده قدیم آبادان - اهواز (منطقه دارخوشین) ارتش جلوكسانی را که عازم آبادان بودند میگردان آنها به مردم مدگوسند که نیروهای عراق بل مارد در ۲۴ کیلومتری آبادان و در اختیار دارد و هر کسی می رود مسئولیتش با ما نیست.

شیراز ۵۹/۷/۲۰

● - آبادانی های رانده شده از خانه و کاشانه شان، در ادا مه جنگ تعمیلی و ارتجاعی دست به افشاکژی های وسیعی زده و نفرت خود را از رژیم و جنگ غیر عادلانه نشان میدهند. مقامات محلی با وحشت از این فعالیت افشاکرانه که تا پیش از زیادی روی مردم میگذارد دست با اقدامات گوناگون زده اند. سپاه پاسداران اطلاعیه داده و آنها را "فراریان از جنگ" نامیده و گفته عده ای از آنان را دستگیر کرده ایم و "هشدار" داده که "گول آنها را نخورید" که "اینها شوکران حلقه بگوش امیربایسم آمریکا هستند" استانداری محاسبه کرده و گفته که فقط خانواده ارتشیان را حاکمی - دهم و "امام جمعه" مرتجع در نماز جمعه از مردم خواسته که به "روی زنه ای اینها" تف بیاندازند "این نمونه ای از رفتار غیر انسانی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی با گمانی است که با هزار مصیبت خود را از زیر سمپا رانه ای ارتش ارتجاعی رژیم یعنی عراق نجات داده و آواره شهرها گشته اند.

مطلق رژیم است. در شهر سید فاعان بمانید. اگر گشته دید شهید هستید و سه بهشت میروید ولی این مرتجعین که لالائی بلندند معلوم نیست چرا خولشسان خوابشان نمیرد!

خرمشهر ۵۹/۷/۱۷

● - نیروهای ارتجاعی بعث عراق در پشت "بل نو" اسکله جدید و اسکله ۶ مستقر میباشند و نیروهای پراکنده ای نیز در اطراف گمرک گمارده اند. نیروهای ایرانی در محل پلیس راه و گمرک مستقر هستند و زد و خورد بیشتر بوسیله توب صورت میگیرد و گاهی نیز از مسلسل استفاده میشود.

پاسداران به شکل منجبی در شهر مستقر هستند و افراد و اتومبیل های "مشکوک" را مورد بازرسی قرار میدهند. مسئله ای که شدیداً بحتم میخورد اختلاف و تضاد بین ارتشیان و پاسداران است که با ادا مه و شدت جنگ، شدیدتر میگردد. یکی از سربازان میگوید ما در جبهه هماتمان تمام شده بود و میخواستیم عقب نشینی کنیم ولی پاسداران ما را تهدید کردند که اگر برویم ما را با تارتک خواهند کشت و یکی از سربازان هم مسلسل خود را بسوی پاسداران گرفته و گفت اگر زیاد حرف بزنید همه شما را برگردانیم. ارتشیان از روحانیون و پاسداران (که تکنیکهای جنگی بلد نیستند) به جبهه خشکین هستند.

دزفول ۵۹/۷/۱۶

● - در اثر اجابت به موشک زمین به زمین منطقه بزرگی در کوجه خرسند که ۲۰ خانواده در آن زندگی میکردند بکلی ویران شده است و بیش از ۶۰ نفر کشته شده است. این محله از فقیرترین ترین محلات دزفول است. پسر خرد سالی که خانه عمویش ویران شده بود میگفت "همیشه فقیر فقرا در جنگ کشته میشوند". در این ناحیه تنها یک خانواده که زهر زمین داشتند از واقعه جان سالم بدر برده بودند. این مسئله نشان میدهد که اگر مردم ما از وسائل ایمنی برخوردار بودند تلفات بسیار کمتر میبود اکثر مردم دزفول شهر را ترک کرده اند و کسی در سنگرها دیده نمیشود. پاسداران دانشم از مردم میخواهند که زیر لوای مساجد مسلح شوند. مردم زحمتی که در شهر مساجد مانده اند با کمبود ما محتاج رو بستر و هستند. آنان در هر برخوردی نفرت خود را از جنگ نشان میدهند.

دزفول ۵۹/۷/۱۹

● - روز ۵۹/۷/۱۹ از ناحیه های آسیب دیده دیدن کردیم. موشکی که در وسط خیابان بزرگ مغایرات افشاده تا شعاع ۱۰۰ متر تمام خانه ها را ویران کرده است. مردی که پدر و اعضای خانواده اش در این تنها حم و حشیا به معنی ها کشته شده اند، با آشتی میگوید "جنگ برای ما فقط خسارت ببار می آورد. جز گشتار و بیهوشی چیزی عاید ما نمیشود". البته او در اثر عسکرم آگاهی کافی تنها مقرر جنگ را مدام مرتجع میدانست. در ناحیه سی متری ۱۵ خانه بکلی ویران شده و بیش از ۴۰ نفر کشته شده اند.

اندیمشک ۵۹/۷/۱۹

● - مردم زحمتی اندیمشک نیز چون سایر شهرهای خوزستان خانه و کاشانه خود را ترک میکنند. در یکی از محلات شهر حدود ۱۰ خانه ویران شده و ده نفر کشته شده اند از جمله یک زحمتکش غرده فروش با تفاسق خانواده اش بهلاکت رسیده اند. هواپیما های روسی ارتش ارتجاعی عراق هم اندیمشک را بی سبب بگذاشته اند و ویرانیهای بسیار آورده اند.

شهرشوش ۵۹/۷/۱۹

● - شهرشوش از دو طرف مورد حمله است اکثر مردم شهر را ترک کرده اند تا بدقیقت دو بیت نفر که اکثر امانافزار هستند در شهر مانده اند. تانکهای ایرانی در پشت شوش موضع گرفته اند و تانکهای عراقی در قسمت غربی. در شهر ویرانی زیاد بار آمده است.

گوشه‌هایی از اوضاع آبادان و خرمشهر جنگ زده



آبادان - رفت و آمدهای ماشین‌های سواری و مسافربری از طریق اهواز - خرمشهر - آبادان انجام نمی‌گیرد بلکه ماشین‌ها مجبورند از طریق جاده‌های روستایی به آبادان بروند. موقع ورود به آبادان با صف‌های طولانی از مردم که برای گرفتن ماشین‌ها در صف‌ها ایستاده‌اند مواجه می‌شوید. در این شهر جمع شده‌اند و در پی رسیدن به شهر هستند. در این شهر جمع شده‌اند و در پی رسیدن به شهر هستند. در این شهر جمع شده‌اند و در پی رسیدن به شهر هستند.

مناطق جنگ زده دور شوند. بعد از همدیگر می‌روند که حتی تا حدود ۱۸ هزار تومان به یک مینی بوس برای رفتن به امفیایان پول داده‌اند. و با تا ۲ هزار تومان به یک مینی بوس برای رفتن از آبادان به اهواز داده شده است. (لازم به تذکر است که در حالت عادی از اهواز به آبادان به یک مینی بوس در دست ۲۰۰ تا ۲۵۰ تومان داده می‌شود). هر کس به هر طریقی که بتواند خود را از شهر خارج می‌کند، حتی دیده می‌شد که تریلرهای ۱۸ چرخ که اطراف آنراخته و چوب گذاشته بودند مردم را از شهر خارج می‌کردند و در یک مورد مردم در درون بوس یک لودر نشسته بودند، حتی عده‌ای هم پیاپی به طرف ماهنروا می‌رفتند. در اکثر مناطق مسکونی مردم مشغول تخلیه محلات بودند که البته این تخلیه در آبادان به علت اینکه کمتر بمباران شده بود از خرمشهر کمتر بود. بیشترین مناطقی که در آبادان مدمه دیده بودند مناطقی بودند که به علت نزدیکی به مرزها به تاسیسات و پادگانها مورد اصابت گلوله‌های عراقی قرار گرفته اند مانند: پریم، بویه جنوبی به علت نزدیکی به خط الحار و پالایشگاه مناطقی مانند بویه شمالی به خاطر نزدیکی به گلوله‌های نفتی و مغازن نفت جمشید آباد و گاران به خاطر نزدیکی به پادگان احمد آباد به علت نزدیکی به پادگان ولوله‌های نفت و به همین ترتیب هر منطقه‌ای که تا سیاحتی در اطراف آن بود مورد اصابت قرار گرفته بود. روز قبل آموزش و پرورش ولوله‌های نفت کنار دانسته و خود را نشکسته مورد اصابت قرار گرفته بود و حدود ۲۲ نفر کشته شده بودند. در این روز بومی مدرسه آبادان رفته بود که می‌گفتند از او استقبالی نشده و در موردی که از یک زن پرسیده بود که چرا شهر را ترک می‌کنی؟ زن در جواب گفته بود که شما ملک را غارت کرده‌اید و دیگر نمی‌شود

در شهرمانند. هادی غفاری همه آبادان رفت بود که از او هم استقبالی نشده بود و برای تعداد انگشت شماری در یکی از محلات سفرائی کرده بود. عمدتاً مردمی که شهر را ترک می‌کنند و همشان نسبت به رژیم جمهوری اسلامی ریخته شده است اما روحیه طرفداری از ارتش بالا رفته است. این روحیه طرفداری در میان مردم آگاه و متوجه به علت عدم شناخت از ماهیت ارتش میباید و اگر نه توده‌های آگاه ما هیچ - گاه ارتش جمهوری اسلامی را از خود جدا نمی‌کنند. حامی منافع رژیم و سرما به داران می - دانند.

در همه جای شهر رفقای ما در سنگریزی نقش فعالی دارند. فدائیان و مجاهدین در شوراهای دفاع محلی شرکت می‌کنند. گفته می‌شد که رهبران فدائیان اکثریت را با پادگانها می‌آهده کرده اند و در مورد دیگر صحبت بر این بود که در حمل و نقل نیروهای ارتش کمک می‌کنند. در بعضی از محلات در صحبت با هواداران مجاهدین، آنها این جنگ را جنگ ارتجاعی ارزیابی می‌کردند.

خرمشهر

در این شهر تقریباً بیشتر مناطقی مسکونی تخلیه شده است و در بعضی از کوچه ها یک یا دو خانه بیشتر باقی مانده است. خرمشهر به خاطر داشتن مرز آبی و

زمینی با عراق شدت مورد اصابت خمپاره و راکت و گلوله‌های توپ عراقی بوده است و تقریباً در تمام کوچه‌ها و خیابانها، خمپاره و راکت و گلوله‌های خمسه، خمسه اما بت کرده است. آب شهر قطع است و کسانی که به علت فقر و تنگدستی و بی‌داشتن جای دیگر در شهر مانده اند از آب خط می‌خورند و خوردن این آب احتمال رشد بیماریهای انگلی را برای مردم به قیامتده بوجود آورده است و در یک مورد اسهال - خونی مشاهده شده است.

شیوه ارتش عراق در مرزهای خرمشهر به این ترتیب است که توپخانه‌ها از راه دور به شدت خرمشهر را می‌کوبد و نیروهای ایرانی را مجبور به عقب نشینی می‌کنند و بعد تانکهای آنها شروع به پیشروی می‌کنند که معمولاً در برابر آنها مقاومتی وجود ندارد و تا دروازه شهر (پلیس راه، کشتارگاه، مد - دستگاه و...) پیش می‌آیند و بعد نیروی پیاپی عراق با اسلحه سبک وارد شهر شده و نقاط اولیه شهر را تصرف می‌کنند و بعد از مدتی که با بمباران و توپخانه آنها تمام می‌شود و با در جنگ پارتیزانی با نیروهای ایرانی (تکا و...) ارتش، پادارها، بخشی از بسیج و...) که عمدتاً از بسیج ۲ و سلاح سبک دارند عقب نشینی می‌کنند که این وضعیت چندین بار اتفاق افتاده است.

توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می‌کنیم!

رویزنیستهای حزب خائن توده و فدائیان (اکثریت)

در این جنگ چه میکنند؟

وطنی منافع توده ها و طبقه کارگر را ندارد. آنها نوکران سرما به داران هستند و برای آستان بوسی بورژوازی حسی حاضرند توده ها را قربانی کنند و آنها را به گوشت دم توب ارتجاع تبدیل کنند. این خائنین به سوسیالیسم همدا بسا ارتجاع حاکم، کمونیستهای راستین را که بدرستی ماهیت ارتجاعی این جنگ را از ابتدا برای توده های مردم افشا کردند، "ما ثوئیت آمریکا" و خوانده اند. اینان در جنوب به مشاورین پاسداران این سرکوبگران توده های انقلابی تبدیل شده و بطلایه بتازگی در هوازهوادران اکثریت (فدائیان) حزب توده هنگا مساختن سنگر برای نیرو - های نظامی رژیم سرما به داران، شما "مرگ برما ثوئیت آمریکا" می دادند از این نوکران بورژوازی بیش از این انتظاری نمی رود و طبیعتی است که سوسیال ثوئینستها خواستار مرگ انقلابیون کمونیست بگیرند. اما انقلابیون کمونیست به همراه کارگران و سایر توده های زمینگی با گسترش بخشیدن به مبارزه خود مشت محکمی بر دهن این با و گویان گویند و با زهم خواهند گویند.

کسانی که در لباس مارکسیم به نوکری بورژوازی مشغولند، کسانی که به بورژوازی بر ضد طبقه کارگر توسط بورژوازی استشارا میشود متحد میشوند کسانی که عبا نترین اقدامات ارتجاعی بورژوازی را آشکارا تا شید می کنند و توده ها را به حمایت از سرما به داران تشویق میکنند، اینان در جنگ ارتجاعی میان دو بورژوازی، از بورژوازی خودی دفاع میکنند و نه تنها جنگ ارتجاعی را تا شید میکنند بلکه با تمام قوا سعی در فریب مردم و تخطئه نیروهای کمونیست راستین دارند. آری این نوکران بورژوازی با سوسیال - ثوئینستها مدافعین میهن بورژوازی یعنی مدافعین استشارا و سنگری سرما به داری هستند، اینان در برابر انقلاب و طبقه کارگر به اتحاد علنی با بورژوازی دست میزنند.

با توجه به این مطالب است که می - بینیم رویزنیستهای فدائی (اکثریت) و حزب خائن توده از زمان شروع جنگ به دفاع از آن برخاستند و به توده ها فراخوان دارند که با ارتش و سپاه پاسداران همکاری کنند. برای این سوسیال - ثوئینستهای

مردم پاسداران دلایل مغفرای را برای مردم می آورند! ز جمله اینکه: "شما شبها به عراق علامت میدیدید"، "اینجا انبار مهمات است" و ... بالاخره اینکه: "در این محل یک گروه مداد موجود است اگر خواهید بیرون آمدن و الا لزومی به بودن شما نیست"، که مردم فریاد میزنند: "اول اینها آمدند اینجا پس باید آنها بیرونند"، بهر حال بعد از این همه بحث و مشاجره سلیبشیا از جلوی ماشین کنا میروند! با زهم اینجا هوادران مجاهدین بسا حرکت ما زشکارانه کنار رفتن از جلوی ماشین به جوسا عداو افشاگرانه ای که مردم خود بی وجود آورده بودند اعتنا شسی نکرده و به خواست مردم پاسخ ندادند و اجازه میدهند که پاسداران محتویات چادر را با خود ببرند. و در این میان هم فیلم دوربین شخی که از محل حادثه عکس

منقضیان ۵۶

برای کردستان یا برای مرز؟

طبق گفته بعضی از منقضیان خدمت سال ۶۶ که برای دیدن دوره آموزشی به تهران آمده اند، رژیم تصمیم دارد تنها عده ای از آنان را برای جنگ در کردستان بفرستد. این تصمیم چنانکه رانه رژیم باعث شده تا یکسری از افراد متقاضی فرار کنند. رژیم ها کم یکدم از سرکوب جنبش خلقهای ایران و از جمله جنبش خلق قهرمان کردستان غافل نمیشود. رژیم در جنوب سرما زان را به گوشت دم توب تبدیل کرده و بسرای جان آنان هیچ ارزشی قائل نمیشد و در کردستان به ارسال نیرو دست میزند تا جنبش خلق کرد را سرکوب نماید.

بقیه از صفحه ۱ درگیری ...

راه قمدیرین در ماشین میروند. سلیبشای مجاهدین جلو عقب ماشین را سد کرده و مانع حرکت آن میشوند و پاسداران چون با مقاومت آنها روبرو میشوند ماشین را خاموش نموده و درون آن می - نشینند. در این میان یک زن خانه دار با مدای رسای خود از پاسداران میخواهد که علت اینکار را برای مردم توضیح دهند. پاسداران چون جوابی نداشتند با اسلحه جمعیت را تهدید کرده و شروع به تیراندازی هوایی میکنند. این عمل باعث خشم و نفرت مردم میشود و زن خانه دار خطاب به پاسداران میگوید: "شما ادعا میکنید که طرفدار مردم هستید، شما فقط در حرف طرفدار مردمید، شما نه تنها طرفدار مردم نیستید بلکه ضد مردم هم هستید، شما اگر طرفدار مردم بودید که روی آنها اسلحه نمی کشیدید، شما اگر مزد می بودید، چادری را که مردم خواها ن بودن آن هستند جمع نمی کردید و" در این حین یکی از پاسداران به او میگوید:

"خواهر برو موها را بپوشان"، این حرف باعث خشم زن مبارز شده و میگوید: "بدبخت - ها شما منطق ندارید، اگر بپوشاندن موی نرم در دستان را ادوا میکنند بیا، ضمن پوشاندن موی سرش را ادامه میدهد: "تو اگر راست میگوئی جواب حرف مرا بده، چکاره موی سرم داری" بالاخره تحت فشار

میکرفت بوسیله پاسداران بیرون آورده میشود. مردم با مشت های گره کرده شما را مرگ بر آمریکا میدادند و پاسداران هم با خنده به مردم محل را ترک میگویند. مردم آگاه سرشار از خشم و کینه نسبت به رژیم جمهوری اسلامی و اعمال او هستند اما رهبری مجاهدین نسبت به این ظرفیت انقلابی بی اعتناست. او بجای آنکه این کینه ها را به مسیر مبارزه انقلابی علیه ارتجاع بکشد، میکوشد تا روحیه سازش - کاری در میان مردم نفوذ دهد. رهبری مجاهدین به نظم بورژوازی احترام می - گذارد، و میکوشد تا تها های عمیق خلق را رژیم حاکم را بپوشاند. رهبری مجاهدین به علت ناپیگیری خود نه تنها از تمسک مبارزه خلق جلوگیری میکند، بلکه بطلایه بتانسیل و استعداد انقلابی هوادران خود را نیز به بند میکشد.

بهره برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ
غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!

پیکار

صفحه ۹

بقیه از صفحه ۲ گوشه ای ...

یکی از سربازها که هوادار اقلیت - فداشيان بودمی گفت که بین این سنگرو آن سنگرا تنهایی وجود ندارد و خود او هم که یک سرباز عادی بود با چند نفر از دوستانش با داشتن ۲ عدد آرپی جی ۲۲ سی - توانست به راحتی شب را پیش رفقای ماکه با رفقای اقلیت در یک محل بودند بماند و می گفت که سلاح سنگین در شهر کم است و حتی پاسداران هم در شهر صدا ایشان در مورد نبودن سلاح های سنگین بلند شده بود. در جبهه نیروهای ایران توپ ۱۰۶ و چند تا تک چفتن و چند تا تپوشا (توپ های دورزن جبل تیر) کار میکرد.

در ضمن فرار سربازان از جبهه بسیار

زیاد بود و سلاح ها را می گذاشتند و فرار می کردند و پاسداران و کمیته در بر خورده به نیروهای انقلابی یک لحظه از سرکسوب غافل نبودند، بطوریکه همان روزهای اول که رفقای ما چادری در یکی از محلات زده بودند آن حمله کرده و دو تن از رفقا را در آنجا گرفته بودند که در این جریان چند سربازی که از محل میگذشتند به این عمل پاسداران اعتراض کرده و حتی به کشیدن گلوله گندم انجمله خود میا درت کرده بودند که پاسداران این عمل را متقابلاً انجام داده و با زدن چند تیر هوایی توانسته بودند که ایندور فیک را با خود ببرند که با مخالفت مردم هم روبرو شده بودند.

در چند مورد دیگر هم در بخش اعلامیه و غیره رفقای ما و دیگر نیروهای انقلابی را گرفته بودند.

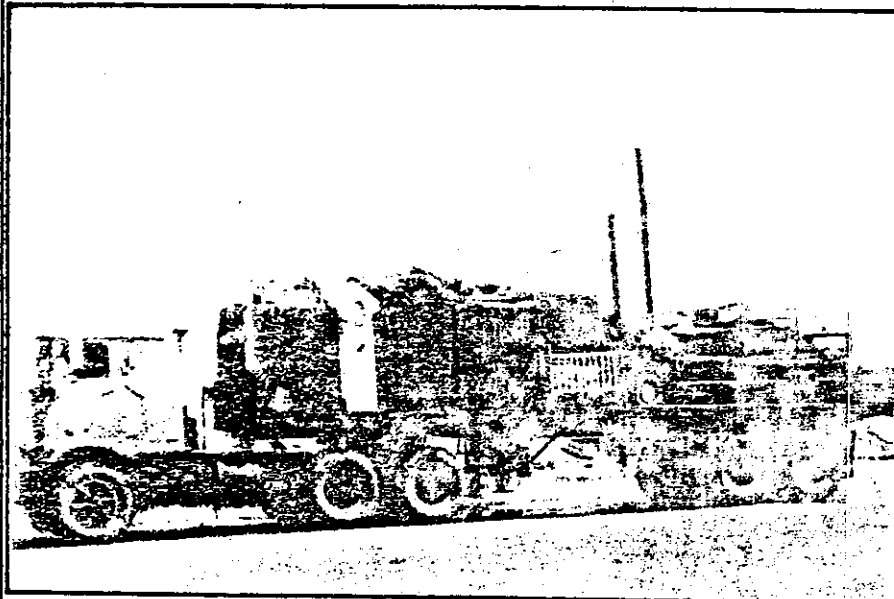
بر واضح است که در این جنگ ارتجاعی بنا بر شرکت کرد اما غالب اینجاست که ارتجاع در مورد مسلح شدن مردم همه شدت و جنت دارند و حتی در موردی که عراقی ها بعد از تخلیه یک محل در شهر مقداری سلاح به جا گذاشته بودند و مقداری از آنها بدست مردم افتاده بود، پاسداران صوری به جمع آوری اقدام کرده بودند و فقط به افرادی که اعضای بسیج بودند و با از طرف مسجد محل و با به طریق دیگری آنها را نشانند، بعد از ثبت نام سلاح میدادند. در واقع یکی دیگر از مواردی که نشانده ماهیت ارتجاعی جنگ است این است که سرمداران رژیم از مسلح شدن مردم میترسند

بقیه در صفحه ۲

بقیه از صفحه ۱۰ اخبار ...

■ - روز پنجشنبه ۵۹/۷/۱۷ ساعت ۱۱ صبح هواپیماهای عراقی به اهواز حمله کردند گویا جاسوسها به آنها اطلاع داده بودند که آنها ر مهمات رژیم در دانهنگاه جندی شاپور است. در گناه دانهنگاه که رژیم از آن هم بعنوان ستاد فرماندهی و هم انبار مهمات استفاده میکرد. بیمارستان شماره ۲ قرارداد دارد. وقتی هواپیماهای عراقی برای اشهدام انبار مهمات به دانهنگاه حمله کردند تعدادی از راکتها به بیمارستان اصابت کرد. همچنین وقتی مهمات منفجر شد، شدت انفجار زیادی بود که سقف اطلاعات و حوادث بیمارستان پاشین آمد. کسی به صورت مستقیم به اثر حمله کشته نشد. اما

اذا به جنگ مسا نبود. اما همین چند مدتی که از جنگ میگذرد تغییر محسوسی در روحیه مردم ایجاد کرده است. گرانسی، کمبایی ارزاق، گشتار، از زمین رفتن خانه ها، نگرانی برای فرزندان ... با عث خستگی مفرط مردم از جنگ شده است. اما خستگی خود را از جنگ بندرت اعلام میکنند. دلیل این امر تا حد و زیادی از تفریحی است که مردم از رژیم جمهوری اسلامی دارند از طرف دیگر تقریباً همه مردم صدام حسین را بعنوان جنایتکار محسوب و با نفرت از آن یاد میکنند. آیا مردم زحمتکش و اقمار از یک جنگ عادلانه علیرغم تمام معاشش میگیرند؟ نه هرگز. آنان از جنگی خسته شده و بیزارند که جنگی غیر عادلانه است.



■ - در فول نیراکنون تقریباً وضعیت مریوان را در نایستان گذشته دارد. مردم برای اینکه بیش از این کشته و زخمی ندهند زندگی خود را رها کرده و به خارج شهر پناهنده شده اند. در اردوهای خارج شهر مردم از هیچگونه امکاناتی برخوردار نیستند. رژیم ارتجاعی حاکم این زحمتکشان را که از معاش جنگ ارتجاعی گریخته اند "خائن" میگوید و تا آنجا که میتواند از هر گونه کمک به آنان خودداری میورد. آری، از این رژیم ضد انسانی میتوان داشت. او تا آنجا "طرفدار" مردم است که بردوش آنها بتواند سوار شود.

■ ■ ■

چند بیمار هنگام انتقال از بیمارستان به خارج کشته شدند. دختری نیز در اتساق عمل تحت جراحی قرار گرفته بود که بدلیل سماران و بیرون رفتن پزشک از اتساق عمل کشته شد.

در آرزوی به بیمارستانهای دیگر اهواز نیز حمله شد. گفته میشود حمله هواپیماهای عراقی به بیمارستانها متعاقب حمله جنگنده های ایران به بیمارستان بهره صورت گرفته است. برای هیچیک از دو رژیم ارتجاعی ایران و عراق جان مردم ما اهمیت ندارد و این جنایتکاران حتی به بیماران نیز رحم نمی کنند. روحیه مردم در ابتدا برای شرکت و

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم!

اخبار متفرقه

● در آغاز جنگ نیروهای عراق ابتدا از سمت سوسنگرد و بوستان و حمیدیه تا ۴۵ کیلومتری اهواز پیشروی کردند که غرضی استنادار خوزستان طی اطلاعیه‌ای که از راه دیو اهواز نیز پخش شد اعلام کرد: "۲۰۰ تانک عراقی در حال پیشروی و محاصره اهواز هستند" و از مردم خواست که سنگربندی کرده و خود را با کواکتل مولوتف مسلح کنند. این اعلامیه وحشت زیادی در میان مردم ایجاد کرد. دوروز بعد غرضی از دشت آزادگان طی اطلاعیه رادیوئی دیگری اعلام کرد که پاکسازی نیروهای عراقی صورت گرفته و ارتش نیز اعلام کرد که تانکهای عراقی که به سمت اهواز در حرکت بودند به لطف خدا به گل نشستند. اما واقعیت به گسل نشستن تانکها که بنام طرح چمران معروف شده بود با اینصورت بود که ۱۴۰ تانک از سمت سوسنگرد، بوستان و حمیدیه به اهواز ۶۰ تانک دیگر از طرف دهلران به طرف دزفول در حال حرکت بودند هنگامیکه ۱۴۰ تانکی که به سمت اهواز پیشروی میکردند در دشت آزادگان قرار گرفتند به دستور ستاد ارتش توسط نیروهای ایران مدگر خه که بر روی رود کر خه قرار داشت منفجر شد و آب آن بموی دشت سرازیر گردید و در نتیجه تانکهای عراقی به گسل نشستند. با وجود آنکه مدگر خه مهمترین سد خوزستان نیست، اما چون امکان ساختن مجدد سد بزرگی امکان پذیر نیست، این منطقه در سال آینده قطعا با کمبود آب مواجه خواهد شد و در استان منطقه بسیار مشکلات بیشتری روبرو خواهند بود. روستایان باید با رنجی راندوش بکنند که جنگ سرما به داران است.

● بعد از اشغال سوسنگرد توسط نیروهای عراقی فرماندار وورشش آموزش و پرورش سوسنگرد با حکمی از طرف خود محام حسین خاشن در سمت خود باقی ماند و این سمت را ۴۰ ساعت نیز حفظ کردند. این افراد بعدا به حکم خلغالی اعدام شدند. روزی در خدمت ارتجاع ایران و روز دیگر در خدمت ارتجاع عراق، اینست ما هستیم کارگزاران جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۹

فرمانده نیروهای چریکی ارتش جمهوری اسلامی کیست؟

رژیم برای مقابله با ارتش ارتجاعی عراق در غرب کشور یک نیروی چریکی ایجاد کرده است. فرمانده این نیروها تیمسار ملک نام دارد. این فرمانده مزدور ارتش شاه، در سرکوب خلق قهرمان عمان مستقیما شرکت داشته و از فرماندهانی است که همراه ارتش آمریکا شایسته طغافرشته بود و بعد از قیام نیز از طرف رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب خلق قهرمان کرد، به فرماندهی عملیات مها با دگماریه شده بود تا از تجربیات ضد انقلابی خود برای کشتار رزمندگان کردستان استفاده کند.

جراویزیونیستهای فدائی در مورد دستگیری افراد خود سکوت می کنند؟

اخیرا در خوزستان ۳ نفر از افسران ناخه نظامی سازمان چریکهای فدائشی (اکثریت) توسط سپاه پاسداران دستگیر شده اند که از سرنوشت آنان اطلاعی در دست نیست.

مسئله قابل توجه اینست که چرا رهبری مرتد این سازمان دستگیری و سرکوب افراد سازمان خود را سکوت می گذارد؟ جواب روشن است: رهبران رویزیونیست فدائی که به نوکری بورژوازی تبدیل شده اند، بنا بر ماهیت خود حتی جنایات رژیم در مورد افراد خود را می پوشانند. آنان با شما مقوامی کوشند تا اتحاد دنگین خود با بورژوازی را به رسمیت حفظ نمایند. بنا بر این جان افرادشان در برابر این اتحاد فدائینقلابی چه ارزشی دارد؟!

چرا رژیم از اعلام خرید اسلحه وحشت دارد؟

کیهان

صفحه ۴
شنبه ۲۳ مهر ماه ۱۳۵۹
چهارم ذیحجه ۱۴۰۰ - شماره ۱۱۱۱۷

سوال: شما از کدام کشور کلاه برای خرید اسلحه می خریدید و از کدام کشورها اسلحه می خرید؟
جواب: اینها را ما اعلام نمی کنیم. از هر کشوری که ملل بانی و آنها هم ملل باشند می گیریم. تا بطل هم از بعضی کشورها گرفته ایم.

(از معاصره هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس - کیهان - شنبه ۲۲ مهر ۵۹)

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی حنجره میدهند که "چیزی را از مردم پنهان نمی کنند" ولی از بیان واقعیتها هراس دارند. آنها دم از "فدا مهربا نیست" بودن میزنند اما از داشتن "رابطه دوستانه" با ارتجاعترین دولتهای منطقه و امپریالیستی خودداری نمیکنند. آنان از رژیم ارتجاعی حافظ اسد (قاتل فلسطینی ها در تل الزعتر) از رژیم کره جنوبی (وابسته به آمریکا)، از امپریالیسم فرانسه... اسلحه میخرند اما از بیان مریح این خریدها وحشت دارند. رژیم جمهوری اسلامی از ذکر اسم "جاهاشی" را که سلاح دریافت کرده است هراس دارد. زیرا مردم ما با دانستن نام طرفهای معامله، به ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و اهداف این جنگ غیر عادلانه بیش از پیش پی می برند.



رژیمهایی که خلق های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!